

شناسایی راهکارهای دورکاری و قرنطینه خانگی از دیدگاه زنان عضو هیأت علمی

در ایام کرونا با رویکرد پدیدارشناسی

بهاره نصیری^۱

چکیده

بحث در مورد دورکاری و قرنطینه خانگی زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در ایام کرونا و مطالعه تجارب زیسته آن‌ها می‌تواند نقش مؤثری در شناخت و توسعه ادبیات اشتغال زنان ایفا نماید. این پژوهش پدیدارشناسانه، تجارب زیسته ۳۰ نفر از زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های مشارکت‌کننده، با هدف کشف و توصیف دورکاری و قرنطینه خانگی در ایام کرونا را مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه نیمه ساختارمند و روش نمونه‌گیری هدفمند بهره برده است. بر اساس روش پدیدارشناسی فرایند تحلیل در سه سطح کلان انجام شد. در سطح سوم تحلیل، حاصل یکسان‌سازی افق‌های فکری: تعداد ۵ افق مربوط به دورکاری، ۹ افق مربوط به قرنطینه خانگی و ۹ افق مربوط به استراتژی‌ها و راهکارها بود. در سطح دوم، توصیفات منسجم روایات به تفکیک دورکاری، قرنطینه خانگی و استراتژی‌ها و راهکارها شکل گرفت و در بالاترین سطح انتزاعی یا همان سطح اول تحلیل، ادغام ساختاری توصیف‌های منسجم انجام شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، وجود قرنطینه خانگی ناشی از ویروس کرونا و شیوع آن باعث ظهور فرهنگ قرنطینه در کشور و جهان شده است که این امر منجر به بازتعریف روابط و مناسبات اجتماعی، مسئله اخلاق، تعهدات اجتماعی، الگوهای روابط انسانی، اجتماعی، توجه به توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی و اخلاق مراقبتی زنان در زندگی، تأکید شده است. در نهایت با توجه به نتایج، راهکارهایی در حوزه‌های، پژوهش، مدیریت و خانواده ارائه گردید.

واژگان کلیدی

دورکاری، قرنطینه خانگی، رویکرد پدیدارشناسی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۴

۱. استادیار گروه پژوهشی مطالعات زنان، پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران
Email: b.nasiri@ihcs.ac.ir

مقدمه

شیوع غیرمنتظره و غافلگیر کننده ویروس کرونا در کشور به تبع اشاعه جهانی آن، پیامدهای خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ارتباطی متعددی را در سطوح عاملیتی و ساختاری در پی داشته، که مدیریت این بحران را به یک چالش جدی بدل کرده است. ایده قرنطینه شهر یا قرنطینه خانگی در عمل مبتنی بر مدل اصلی کنترل این ویروس و مهار اپیدمی آن از طریق کاهش مناسبات و تماس‌های بین انسان‌هاست (رحمانی، ۱۳۹۹: ۵۶). به عبارتی، الگوهای بنیادین در روابط اجتماعی جامعه ایرانی را دست‌خوش تغییر کرد. به طوری که حضور کرونا، مردم را به خانه رانده و زندگی اجتماعی را دچار گسست و تغییرات زیادی کرده است که دامنه آن تا شخصی‌ترین فضاها و زندگی روزمره کشیده شده است. امیل دورکیم در رابطه با الگوهای بنیادین در روابط اجتماعی در جامعه از همبستگی مکانیکی و ارگانیکی حرف زده است (ویر، ۱۳۸۷: ۱۰۶). محققان و کنشگرانی که به موضوع مصالحه و تعادل میان کار و زندگی زنان پرداخته‌اند، در پژوهش‌هایشان نشان داده‌اند که چگونه این مسئله در فهم پیشرفت حرفه‌ای و زندگی آنان حائز اهمیت بوده است. چرا که زنان شاغل در خانه و جامعه ایرانی، همواره با مجموعه‌ای مملو از گسست‌های متنوع و گاه متضاد و شکاف‌های جنسی تا شکاف‌های ساختار قدرت و مسئولیت همراه بوده‌اند. اکنون بحران شیوع ویروس کرونا نشان از این دارد که انباشت و درهم‌آمیختگی شکاف‌ها و مسئولیت‌های درون و بیرون از خانه برای زنان شاغل می‌تواند مشکلاتی در توازن و تعادل میان کار و زندگی به دنبال داشته باشد. حال با قرنطینه شهری، قرنطینه خانگی و دورکاری، منجر به برهم زدن تعادل عمومی و بهنجار اجتماعی و پیرو آن «خانه امن‌ترین جای جهان شده است.»

در روزهای کرونایی، علاوه بر کارهای معمول و روزمره خانگی، وظایف شغلی از طریق دورکاری در محیط خانه بسیار بیشتر شده و وقت و انرژی مضاعفی را برای زنان می‌طلبد. البته این روایتی است از روزهایی که همیشه برای زنان خانه‌دار و شاغل تکرار می‌شده است؛ اما با وقوع کرونا و شیوع و گسترش آن در جامعه، شدت آن را قوی‌تر شده است؛ زیرا قرنطینه شهری و خانگی و دورکاری، مرزهای بین فضای کاری و زندگی در خانه و همچنین مرز میان وظایف شغلی و انجام وظایف خانه را از بین برده است. به علاوه، مهارت در ایجاد نگرش‌های مثبت و توانمند در خانواده و جامعه، ایجاد آرامش روانی و فراهم نمودن محیطی برای همزیستی مسالمت‌آمیز، دغدغه‌ای است که «ضرورت مسالمت‌آمیز بودن روابط در بحران» را نیز برای زنان به دنبال

داشته است. در این شرایط، زنان معمولاً انتظارات بیشتری از خود پیدا می‌کنند، زیرا به نظر می‌رسد که به‌عنوان یکی از ارکان اصلی خانه باید بتوانند شرایط مساعدتری را فراهم نمایند. زنان متأهل دانشگاهی و عضو هیأت علمی به‌دلیل برخورداری از تحصیلات تخصصی پیشرفته در دانشگاه‌ها به امر آموزش و پژوهش و در پاره‌ای از موارد به فعالیت‌های اجرایی و مدیریتی می‌پردازند، اما آنان مانند سایر زنان متأهل شاغل با مسائل و مشکلاتی مواجه هستند؛ اما اقتدار دانش و آگاهی به‌عنوان دستاورد دهه‌های اخیر در زنان دانشگاهی، پیامدهایی را در دایره فهم اجتماعی و خانوادگی آنان از موقعیت زنانه نمایان کرده است. آنان برحسب شغل خود، با آگاهی یافتن و آگاهی دادن به ضرورت نقش متفاوت، خلاقانه و پررنگ خویش، می‌توانند از خامی‌های محض بین ابزارگرایی و جبرگرایی بیرون آمده و با توجه به بنیادهای آشکار و پنهان اثرگذار ویروس کرونا، از تسلیم منفعلانه در برابر آثار خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی این بحران و بی‌مسئولیتی دورمانده و فعالانه تمامی انواع تلاش خود را برای تبدیل به سوژگی و تغییر تأثیرهای آن داشته باشند.

از یک سوی، به برخی از نظریه‌های اشتغال زنان باید با تأمل بیشتری نگاه کرد. به‌طوری‌که طبق نظریه «مردیت استعلایی»، مردیت ذات‌گرایانه یا ذاتی است و مردان در مواردی تصور می‌کنند، چون مرد به دنیا آمده‌اند، برترند؛ لذا، کارخانه را بی‌ارزش و ضد ارزش می‌دانند و انجام دادن آن را در شأن خود نمی‌دانند (ساروخانی، ۱۳۹۶: ۲۳۲) یا طبق نظریه «ترکیبی - اعتدالی» زنان باید نقش‌های شغلی و خانوادگی خود را ایفا کنند، اما به عناصر این اعتدال از قبیل استفاده از فناوری جدید برای کاستن از بار خانه‌داری... و تسهیم کار خانه با همسر، به منظور کاهش تعداد و پراکندگی وظایف (Bartley, 1993: 34) نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

از سوی دیگر، رستگار خالد (۱۳۸۳) مطرح کرده است، «در جوامع کنونی، پدیده تعارض نقش به‌طور عمومی و تعارض بین نقش‌های شغلی و خانوادگی به‌طور خصوصی، اجتناب‌ناپذیر است؛ بنابراین به‌احتمال زیاد، افراد در خانواده‌های هر دو شاغل، ضمن ایفای دو نقش خانگی و شغلی خود در شرایطی قرار می‌گیرند که درمی‌یابند قادر نیستند، وظایف خود را در ارتباط با هر دو نقش، یا یکی از آن دو به خوبی و به‌طور کامل ایفا کنند و یکی از نقش‌ها مزاحم یا مانع ایفای نقش دیگری است. در چنین شرایطی تعارض نقش می‌تواند، از یک‌سو، از طریق تحت تأثیر قرار دادن احساسات و ادراکات فرد از موقعیتش در قبال کار و خانواده به‌صورت تنش و فشار

روانی جلوه‌گر شود و سلامت روانی فرد را به خطر اندازد و از سوی دیگر، روابط اجتماعی‌اش را با سایرین در کار و خانواده مخدوش کند و از عملکرد نقش فرد در این دو نهاد جلوگیری کند» (رستگار خالد، ۱۳۸۳: ۱۵۰-۱۶).

از سوی دیگر، متون پژوهشی در مورد وضعیت زنان در ایام کرونا و قرنطینه خانگی در ایران عموماً با استفاده از مطالعات موردی و یا شواهد حکایتی به دست آمده از برخی پژوهشگران علاقه‌مند نگاشته شده‌اند؛ اما نمی‌توان مبانی نظری مرتبط با موضوع پژوهش را شناسایی کرد. همچنین تاکنون مطالعات اندکی به بررسی این مسئله از طریق تجربه پرداخته شده است؛ بنابراین این استدلال تقویت می‌شود که پژوهش‌های تجربی بیشتری به‌منظور درک بهتر از وضعیت زنان عضو هیأت علمی در مراکز دانشگاهی و پژوهشی در ایام کرونا و قرنطینه شهری و خانگی و دورکاری و ارائه راهکارهای مناسب در این رابطه مورد نیاز است. از این‌رو، این مطالعه درصدد بررسی وضعیت زنان عضو هیأت علمی در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها برآمده است تا به این سؤالات پاسخ دهد، تجربه زیسته زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در نحوه مواجهه با قرنطینه خانگی و دورکاری در ایام کرونا چگونه بوده است؟ و اینکه چه راهکارهایی را آنان در مواجهه با دورکاری و قرنطینه خانگی بیان کرده‌اند؟

پیشینه پژوهش

با مرور پژوهش‌های انجام شده در حوزه تجربه زیسته زنان در داخل و خارج از ایران می‌توان به ایفای نقش‌های متعدد، توانایی‌ها و قابلیت‌های زنان پی برد. ربانی خوراسگانی و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای پدیدارشناسانه درباره «تجربه زیسته مدیران زن در اصفهان» نشان می‌دهند که اشتغال در بیرون از خانه سبب افزایش رضایت از زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی آنان می‌شود و اشتغال به شخص اجازه می‌دهد تا خود را به‌عنوان فردی مفید برای جامعه تعریف کند، اما از طرفی، اکثر مشارکت‌کنندگان به‌سختی به هماهنگی نقش‌های خانوادگی و نقش‌های شغلی اذعان دارند. همچنین، در صورتی که زنان استعدادها و توانایی‌های خود را در کار پرورش دهند، می‌توانند در یک زمان به خوبی از عهده چندین نقش برآیند و برعکس زمانی که چندین نقش بر عهده دارند، می‌توانند توانایی‌ها و قابلیت‌های خود را افزایش دهند. گیلان (۱۳۹۵) در تحقیق خود با عنوان «تجارب زیسته مدیران زن در استان گلستان» نشان داد که زنان با غیبت خود در ساعاتی از روز در خانه را با تلاش و

رسیدگی بیشتر به امور خانه جبران می‌کنند و اوقات فراغت خود را نیز به خانواده اختصاص می‌دهند و برای رسیدگی به امور خانه و خانواده اولویت قائل می‌شوند. از طرف دیگر اشتغال در بیرون از خانه سبب افزایش رضایت از زندگی شغلی و خانوادگی می‌شود و اشتغال به فرد اجازه می‌دهد تا خود را به عنوان فردی مفید برای جامعه تعریف کند.

عزیزی (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «تجربه زیسته مدیریت زنان در جامعه مردسالار» مطرح نمود که جنسیت مسئله‌ای است که با انتظارات گوناگونی در شیوه اجرای مدیریت زن همراه می‌شود و تا سطح زیادی ممکن است موقعیت زن را به عنوان مدیر، خدشه‌دار کند. جدی گرفتن تصمیمات یا قدرت سازمانی زن تا اندازه زیادی به این بستگی دارد که چقدر موقعیت وی به عنوان زن پذیرفته شده و این لازمه سطحی از اثبات خود برای مدیران بالادست و همکاران سطوح دیگر است.

شادی طلب و ابراهیم پور (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «بازگویی تجربیات زنان در ارتقا به مرتبه استادی در دانشگاه‌های ایران» به سهم اندکی زنان نسبت به مردان و شناخت عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده با استفاده از روش کیفی و پدیدارشناسانه و ثبت تجربه زیسته زنانی که به مقام استادی نائل آمده‌اند یا از دستیابی به آن بازمانده‌اند، پرداخته‌اند.

دم و دفتر در^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی سعی کرده‌اند تا تعادل کار و زندگی اعضای هیأت علمی زن را بررسی کنند. این تحقیق از چهار بعد تعادل میان کار، خانواده، دوستان و خود را مورد بررسی قرار داده‌اند. رضایت شغلی و سطح استرس ناشی از کار نیز با استناد به تعادل کار و زندگی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این مطالعه نشان می‌دهد که گروه مهمی از پاسخ‌دهندگان تعادل کار و زندگی را دشوار می‌دانند. سطح استرس در محل کار زیاد است که باعث ایجاد تأثیر زنجیره‌ای (سلامتی، افسردگی، خستگی) در زندگی شخصی می‌شود.

تافالتی و استار^۲ (۲۰۱۶) در پژوهش خود با عنوان «زنان دانشگاهی؛ تعادل کار و زندگی: گفت‌وگوهای جنسی و کار و مراقبت از زنان» به بررسی چگونگی تخصیص و استفاده از گفت‌وگوهای تعادل میان کار و زندگی توسط زنان دانشگاهی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که شیوه‌های دانشگاهیان زن در مورد تعادل کار و زندگی به نگرش‌های جنسیتی در مورد کار با حقوق و مراقبت‌های بدون حقوق که در زندگی

1. Dam & Daphtardar

2. Toffoletti & Starr

فرهنگی و اجتماعی استرالیا حاکم است، پاسخ می‌دهند. با استفاده از رویکرد گفتمانی برای تحلیل تعادل کار و زندگی، این پژوهش با جلب توجه به قدرت گفتمان‌های تعادل کار و زندگی در شکل دادن به نحوه پیکربندی زنان تلاش‌های خود برای ایجاد تعادل کار و زندگی کرده است. پژوهش‌های انجام شده در حوزه تجربه زیسته زنان به ۲ گروه قابل دسته‌بندی هستند. دسته اول، نگاهی به تجربه زیسته مدیران زن شامل تحقیقات قیصریه نجف‌آبادی (۱۳۹۲)، عزیززی (۱۳۹۳) و گیلان (۱۳۹۵) که نتایج آن‌ها بیانگر ایفای نقش‌های متعدد، توانایی‌ها و قابلیت‌های زنان بوده است و همچنین هماهنگ کردن مدیران زن در انجام وظایف، تصمیمات و قدرت سازمانی آن‌هاست و صرفاً توجه به فضای کاری مدیران زن بوده است. دسته دوم، بازگویی تجربیات زنان و وجود نگرش‌های جنسیتی در تعادل میان کار و زندگی و تلاش بیشتر زنان برای کسب موفقیت بوده است.

نتایج پژوهش شادی طلب (۱۳۹۶) در مورد تجربیات زنان در ارتقا به مرتبه استادی بوده است که بیانگر سهم اندک زنان نسبت به مردان در دستیابی به مقام استادی بوده است. به علاوه، یافته‌های پژوهش دم و دفتر در (۲۰۱۲) نشان دهنده دشواری زنان در تعادل میان کار و زندگی بوده است.

یافته‌های پژوهش تافالتی و استار (۲۰۱۶) بیانگر تلاش زنان دانشگاهی برای تعادل کار و زندگی و وجود نگرش‌های جنسیتی در فضای کاری بوده است. همان‌گونه که به سنخ‌شناسی پژوهش‌های انجام شده در این حوزه اشاره شد؛ در هیچ یک از پژوهش‌های انجام شده، به نقش مراقبتی و حمایتی زنان به‌ویژه زنان عضو هیأت علمی، در بحران‌ها پرداخته نشده است. در حالی که سلامت روان و آرامش روحی خانواده‌ها و به‌طور کلی جامعه ایران در گرو نقش مؤثر زنان تعریف می‌شود. زنان جامعه ما امروز و در هنگامه افزایش تنش بیماری کرونا از هر ابزاری در جهت آگاهی بخشی به جامعه فروگذار نکردند و زنان دانشگاهی و فرهیخته که در فضای مجازی، استفاده از رسانه‌ها در ابعاد و شیوه‌های مختلف دیداری، شنیداری و نوشتاری همه و همه در حال انتقال محتوا، توصیه‌های بهداشتی و آموزشی هستند و با شناخت دقیق از شرایط و لحن مادرانه و همسرانه، انتقال محتوای دقیق‌تر و مؤثرتری انجام می‌دهند.

مبانی نظری پژوهش

از آنجایی که در این پژوهش از روش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی استفاده شده است و

در روش‌های تحقیق کیفی به‌طور یکسان از نظریه‌ها یا چارچوب نظری استفاده نمی‌کنند (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲۳۴) از این‌رو، هدف اصلی پدیدارشناسی کشف تجارب مختلف افراد از پدیده مورد بررسی، برای رسیدن به ماهیت و جوهره واقعی آن پدیده یا مفهوم است. پیش فرض پدیدارشناسی این است که جهان و پدیده‌های آن در بیرون انسان قرار گرفته‌اند و انسان می‌تواند هم‌چون آینه‌ای آشکارساز، تصویری از آن دریافت کند. الوانی (۱۳۸۹) معتقد است، «پدیدارشناسی هیچ نظریه و تعهد علمی را نمی‌پذیرد و فقط خود را به جنبه‌های علمی کار متعهد می‌داند» (الوانی، ۱۳۸۹: ۶۸). تمرکز اصلی تحلیل پدیدار شناختی، بررسی تجربه آگاهانه است و هدف آن توصیف تجربیات زندگی اجتماعی به همان صورتی است که در زندگی واقع شده‌اند؛ و امکان دریافت دانش به شکل مستقیم، مواجهه حضوری با واقعیت بی‌واسطه و بدون توجه به چارچوب‌های نظری تأکید می‌شود (دارابی، ۱۳۸۸: ۶۵). بدین جهت پدیدارشناسی چارچوب نظری ارائه نمی‌دهد بلکه بیشتر به معاینه و توصیف پدیدارها بدون پیش‌داوری‌های قبلی توجه دارد و معتقد است برای آنکه بتوانیم به ماهیت اشیاء راه یابیم باید هرگونه پیش‌فرض و آگاهی پیشینی که درباره آن پدیده داریم در پرانتز قرار دهیم تا بتوانیم آن شئی را به‌گونه خالص تجربه کنیم (ارشاد، ۱۳۸۰: ۱۳). از این‌رو، این پژوهش بدون چارچوب نظری است؛ اما تلاش شده است با توجه به حساسیت‌های نظری به برخی از نظریه‌هایی که تا حدودی به موضوع پژوهش مرتبط است، پرداخته شود.

آلن تورن (۱۳۹۷) نظریه‌پرداز اجتماعی سرشناس، در کتاب پارادایم جدید نشان می‌دهد که در دنیای امروز «پارادایم فرهنگی» یعنی پارادایمی که هر شهروند و هر انسانی باید سوژگی، عاملیت، خلاقیت و حضور فعال خودش را در جامعه امروز بسازد، سرشت ناگزیر ماست (تورن، ۱۳۹۷: ۳۳). در این پارادایم جدید یا پارادایم فرهنگی اگر شهروندان بخواهند مواجهه‌های منفعلانه با محیط‌های خود از جمله خانه داشته باشند، زندگی بر آن‌ها سخت خواهد گذشت. در این روزهای قرنطینه می‌توانیم فیلم‌ها را ببینیم، کتاب‌ها را بخوانیم، با متون ادبی و آثار بزرگ هنری آشنایی عمیق‌تری پیدا کنیم و سعی کنیم کنشگری فعال و خلاق باشیم و نه تنها مخاطب آثار ادبی و هنری بلکه مخاطبان خلاق و فعال دنیای هنر، ادبیات، شعر و خلاقیت تبدیل شویم. تورن (۱۳۹۷) و بسیاری از نظریه‌پردازان اجتماعی امروز نشان داده‌اند که فرد باید از مصرف‌کننده صرف عبور کرده و به سوژه‌های مولد بدل شود. می‌توان در خانه و از طریق شبکه‌های اجتماعی به تأویل، تفسیر و معنا کردن فیلم‌هایی که دیده،

متن‌هایی که خواننده و موسیقی که شنیده می‌شود، پرداخت. این جمله نیچه را به خاطر داشته باشیم «تحلیل کردن آفریدن است.» می‌توانیم محیط و فضای خانگی را به فضای آفرینش‌های فکری و خلاقانه خود تبدیل کرد. اگر نگوییم تمام بلکه اکثریت کتاب‌ها، آثار هنری و تمام آثار خلاقانه جهان، در خانه نوشته، ساخته و خلق شده‌اند. (تورن، ۱۳۹۷: ۴۰). همچنین این روزها که در نتیجه قرنطینه بسیاری از فشارهای دنیای مصرفی و ارزش‌های مصرفی و بازاری اندکی از ما کاسته شده، این فرصت استثنایی ایجاد شده تا در محیط خانه به انسان، خودمان و ارزش‌های وجودی توجه دوباره کرد. جفری الکساندر (۲۰۰۴)، نظریه‌پرداز ترومای فرهنگی، استدلال می‌کند که در موقعیت «ترومای فرهنگی» روابط جدیدی میان ساختارها، سیستم‌ها، مفاهیم و کنش‌ها برقرار می‌شود. در چنین موقعیتی «مسئولیت اجتماعی» و «کنش سیاسی» معنا، هویت و هستی تازه‌ای پیدا می‌کند و افراد و سازمان‌ها ناگزیر باید متناسب با این موقعیت سازوکارها و عملکردهای خود را بازتعریف و ارائه کنند. ترومای فرهنگی امری طبیعی نیست، بلکه «برساخته اجتماعی» است که از نحوه معنادهی، چینش و ترکیب و قرارگیری رخدادهای کنار هم ایجاد می‌شوند. در این موقعیت افراد احساس می‌کنند که توانایی تأمین نیازهای ضروریشان مانند امنیت، عشق، ارتباط و برقراری نظم را ندارند. در این موقعیت «زندگی» تهدید می‌شود و «طبیعت انسان» خود را در معرض نیستی احساس می‌کند. جفری الکساندر (۲۰۰۴) استدلال می‌کند که رویدادها به‌طور ذاتی تروماتیک نیستند، بلکه جامعه در موقعیتی معین آن‌ها را با «واسطه‌ای اجتماعی» به تروما تبدیل می‌کند. به‌ویژه روشنفکران، هنرمندان، روزنامه‌نگاران از طریق رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و مطبوعات نقش مهمی در خلق ترومای فرهنگی دارند. این گروه‌ها و ابزارها می‌توانند رویداد مشخص و معینی مثل کرونا را چنان بازنمایی کنند که افراد جامعه احساس کنند معنا و هویت جمعی آن‌ها از دست رفته یا در معرض نابودی است. «رویداد تروماتیک شده» باید احساس ویران شدن و خطر پایدار را در افراد جامعه تثبیت کند و با پذیرش همگانی همراه شود (Alexander, ۲۰۰۴: ۴). در این وضعیت حساس و انباشته از فشار، هر حادثه تلخ که ابعاد فراگیر داشته باشد، می‌تواند همچون نشانه یا نمادی از همه بحران‌ها و چالش‌های موجود، عمیق‌ترین لایه‌های احساسی شهروندان را متأثر کند و به شکل «ترومای فرهنگی جمعی» ظاهر شود (فاضلی، ۱۳۹۹: ۹۸). فاضلی (۱۳۹۹) بیان کرده است، ما در حالی «خانه‌نشینی ناگزیر» را پذیرا شده‌ایم که خانه‌ها پذیرای ما نیستند. در فرایند شهری شدن در دوره معاصر، رقابتی میان خیابان و خانه شکل گرفت و در نتیجه گفتگو و وقت‌گذرانی اعضای خانه با یکدیگر در

درون خانه‌ها کاهش یافت. برای خانه‌نشینی ما نیازمند احیای خانه و توسعه عملکردهای آن به کمک خلاقیت‌های فردی و پذیرش مسئولیت دشوار بازاندیشی در معنای خانه و تلاش برای توسعه عملکردهای خانه هستیم (فاضلی، ۱۳۹۹: ۱۱۲). ژوزف بلمن (۱۳۸۹) معتقد است که انقلاب الکترونیکی باعث بازگشت عملکردهای تفریحی، آموزشی، بهداشتی و کار به خانه خواهد شد، اما امروز می‌بینیم که بحران کرونا بیش از انقلاب الکترونیکی ما را وادار کرده است تا به خانه‌هایمان به شیوه دیگری نگاه کنیم. شاید بحران کرونا فرصتی باشد تا شهروندان ایرانی بار دیگر به خانه و عملکردهای آن در جامعه امروز و فردا از منظر دیگری نگریند و خود را آماده کنند که در خانه‌هایشان چگونه لذت ببرند، تفریح کنند، یاد بگیرند و چگونه زندگی اجتماعی را نه تنها در خیابان‌ها بلکه در فضاها و محیط‌های خانه و خانواده بگذرانند (ژوزف، ۱۳۸۹: ۲۸). در چنین شرایط مخاطره‌انگیزی ناگزیر هستیم که به بازاندیشی و تأمل جدی درباره ارزش‌ها، معانی و عملکردهای خانه در دنیای جدید بپردازیم (الریش، ۱۳۹۷: ۴۴). گاستن باشلار (۱۳۹۷)، فیلسوف علم و فیزیکدان بلندآوازه، معتقد است، خانه یکی از بزرگ‌ترین قدرتهای ترکیب‌کننده اندیشه، خاطره و روای آدمی است. به اعتقاد او خانه گهواره‌ای است که در آن می‌توانیم به خیال‌ها و رؤیاهایمان وسعت ببخشیم (باشلار، ۱۳۹۷: ۵۲). از سوی دیگر، فاضلی (۱۳۹۹)، در آثارش به پزشک اجتماعی نیز اشاره کرده است. وی معتقد است که تا قبل از کرونا، مقوله سلامت امری شخصی در بین انسان و جامعه ایرانی بوده است؛ اما با وقوع بحران کرونا، نگرش تازه‌ای شکل گرفت که در این نگرش تازه، بیماری و سلامت به صورت «برساخت اجتماعی و فرهنگی» تلقی و تعریف می‌شود (فاضلی، ۱۳۹۹: ۱۱۸). در این شرایط شهروندان احساس مسئولیت می‌کنند و همگان را دعوت کنند از راه مراقبت خود و اعضای خانواده‌هایشان از شیوع این بیماری پیشگیری نمایند و گویی هر شهروند حکم «پزشک اجتماعی» را پیدا می‌کند. چشم‌ها، گوش‌ها و دهان انسان ایرانی بیش از هر زمان دیگر حساس و فعال شده‌اند، گویی سلول‌های فرد ایرانی مسئولیت را تمرین می‌کنند.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش تحقیق کیفی با رویکرد پدیدارشناسی استفاده شده است. این روش بر عمق تجربیات تأکید دارد و درک ما را از تجربیات زندگی افزایش می‌دهد (ادیب حاج باقری و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۵). همچنین، روش تحقیق پدیدارشناسی برای گفته‌های شرکت‌کنندگان به عنوان یک منبع اعتباری دانش که ارائه‌کننده تجاربشان از پدیده

تحت مطالعه هستند، ارزش قائل بوده است و برای نیل به تجارب مشارکت‌کنندگان مناسب است. از این‌رو از میان رویکردهای متعدد تحقیق کیفی برای تجربه زیسته زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در برقراری توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی در ایام کرونا، رویکرد پدیدارشناسی انتخاب گردید.

این پژوهش از لحاظ موضوعی راهکارهایی در زمینه دورکاری و قرنطینه‌خانی و از لحاظ روش، اکتشافی است و به توصیف تجارب زیسته زنان عضو هیأت علمی می‌پردازد. درواقع هدف تحقیق پدیدارشناسی، اکتشاف و توصیف تجارب زیسته زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها به گونه‌ای است که از این مجرا بتوان به جوهره پدیده راهکارهایی در زمینه دورکاری و قرنطینه‌خانی از نگاه زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها دست یافت؛ بنابراین انتظار می‌رود تا تصویری مشروح و صریح از این پدیده ترسیم گردد. البته آن‌گونه که در موقعیتی خاص از سوی افراد ادراک می‌شوند (Vanderstoep & Scott, 2009: 34). جامعه این پژوهش در برگیرنده زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها تحت پژوهش وزارت علوم بودند که تمایل و تجربه‌ای به صورت مستقیم در رابطه با موضوع مورد پژوهش داشته‌اند. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری غیر احتمالی از نوع هدفمند برای مصاحبه به کار گرفته شد. به طوری که با زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها که تجربه‌هایی از موضوع پژوهش را داشته‌اند، مصاحبه به عمل آمد.

در پژوهش کیفی نمونه‌گیری آن‌قدر ادامه می‌یابد تا اشباع نظری حاصل شود. پولیت، بک و هانگلر و استروپرت و کارپنتر بیان می‌کنند که حجم نمونه طی کار مشخص می‌گردد. در تحقیقات کیفی حجم نمونه باید بر اساس نیازهای اطلاعاتی تعیین شود؛ به عبارت دیگر، گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه می‌یابد که افزایش داده‌ها به ایجاد مفاهیم، مقولات و خرده مقولات جدید منجر نشود (Baker & et al, 2001: 75). از این‌رو در این مطالعه انتخاب شرکت‌کنندگان، جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری و شرح غنی از تجربیات به دست آمده ادامه داشت. به طوری که تعداد مشارکت‌کنندگان (زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها) ۳۰ نفر است. جدول ۱ مشخصات مشارکت‌کننده‌ها در این مطالعه می‌باشد.

شناسایی راهکارهای دورکاری و قرنطینه خانگی از دیدگاه زنان عضو هیأت علمی

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان

نوع محل کار	کد مشارکت کننده	سن	وضعیت تأهل	تخصص
دانشگاه	۱-۱	۶۰	متاهل	جامعه‌شناسی
	۲-۱	۳۵	مجرد	جامعه‌شناسی
	۳-۱	۵۹	متاهل	اقتصاد
	۴-۱	۴۵	مجرد	روان‌شناسی اجتماعی
	۵-۱	۶۱	متاهل	روان‌شناسی
	۶-۱	۴۲	متاهل	ادبیات
	۷-۱	۵۸	متاهل	حقوق
	۸-۱	۶۰	متاهل	تاریخ
	۹-۱	۴۴	مجرد	جامعه‌شناسی
	۱۰-۱	۴۰	مجرد	روان‌شناسی اجتماعی
	۱۱-۱	۶۲	متاهل	علوم تربیتی
	۱۲-۱	۵۲	متاهل	علوم ارتباطات
	۱۳-۱	۴۳	متاهل	روان‌شناسی
	۱۴-۱	۴۰	متاهل	روان‌شناسی اجتماعی
	۱۵-۱	۴۲	مجرد	مطالعات زنان
پژوهشگاه	۱۶-۱	۵۵	متاهل	مطالعات زنان
	۱۷-۱	۵۲	متاهل	جامعه‌شناسی
	۱۸-۱	۴۵	مجرد	علوم ارتباطات
	۱۹-۱	۴۳	مجرد	مطالعات زنان
	۲۰-۱	۵۴	متاهل	جامعه‌شناسی
	۲۱-۱	۵۰	متاهل	حقوق
	۲۲-۱	۴۱	مجرد	تاریخ
	۲۳-۱	۵۶	متاهل	اقتصاد
	۲۴-۱	۴۸	متاهل	روان‌شناسی اجتماعی
	۲۵-۱	۴۹	متاهل	جامعه‌شناسی
	۲۶-۱	۵۵	متاهل	علوم ارتباطات
	۲۷-۱	۶۰	متاهل	جامعه‌شناسی
	۲۸-۱	۶۲	متاهل	علوم تربیتی
	۲۹-۱	۵۰	متاهل	مطالعات زنان
	۳۰-۱	۶۵	متاهل	حقوق

در این پژوهش برای درک کامل‌تر پدیده با مطالعه از روش مصاحبه با پرسش‌های نیمه ساختاریافته بهره گرفته شد. مصاحبه‌ها از ۲۰ دقیقه تا ۶۰ دقیقه بین بازده زمانی مهرماه ۱۳۹۹ تا مهرماه ۱۴۰۰ از سوی پژوهشگر انجام گردید. پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت است از:

- تجربه زیسته زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در نحوه مواجهه با قرنطینه خانگی در ایام کرونا چگونه بوده است؟
- تجربه زیسته زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در نحوه مواجهه با دورکاری در ایام کرونا چگونه بوده است؟
- چه راهکارهایی را زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه در مواجهه با دورکاری و قرنطینه خانگی بیان کرده‌اند؟

هدف بیان شده در تحقیق پدیدارشناسی «روشن ساختن جزئیات و شناخت پدیده‌ها از طریق چگونگی درک آن‌ها توسط عاملان انجام چنین تحقیقاتی است» (Lester & et al, 1999: 1) که هم فلسفه و هم یک روش است. پدیدارشناسی به عنوان نوعی روش تحقیق، به دلیل کنار گذاشتن تعمدی چارچوب‌ها یا حقایق از قبل تعیین شده، متفاوت از دیگر روش‌های تحقیق است. پدیدارشناسی بیشتر نوعی روش، نگرش و حالتی تحقیقی با مجموعه‌ای از اهداف مشخص است (Hycner, 1985: 279). جدول ۲. ویژگی‌های عمومی پژوهش پیش‌رو قابل مشاهده است.

جدول ۲. طرح پژوهش حاضر

ماهیت تجربه زیسته راهکارهای زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در مواجهه با دورکاری و قرنطینه خانگی در ایام کرونا	نقطه تمرکز
نیاز به کشف و توصیف ماهیت راهکارهای زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در مواجهه با دورکاری و قرنطینه خانگی در ایام کرونا	مسئله پژوهش
جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی زنان، روان‌شناسی اجتماعی، فلسفه پدیدارشناسی	دانش پایه
تجربه زیسته زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها	واحد تحلیل
انجام مصاحبه با افراد	شکل گردآوری داده‌ها
تحلیل داده‌ها برای گزاره‌های مهم، واحدهای معنی، توصیفات ساختاری و متنی (زمینه‌ای)، توصیف جوهر پدیده	شیوه تحلیل داده‌ها
توصیف ماهیت یک تجربه	گزارش مکتوب

۱. به علت ویروس کرونا و شیوع آن در کشور زمان گردآوری داده‌ها طولانی مدت گردید.

بر پایه داده‌های حاصل از سؤال‌های پژوهش، پژوهشگران به بررسی داده‌ها (نظیر رونوشت مصاحبه‌ها) پرداختند. همچنین به برجسته نمودن‌های گزاره مهم، جملات و عبارات نشان دهنده چگونگی شکل‌گیری تجربه مشارکت‌کنندگان در خصوص پدیده ادامه دادند. موس تاکاس این گام را افقی‌سازی (هر گزاره‌ای دارای ارزش برابر می‌باشد) می‌نامد. سپس به توسعه دسته‌ها و خوشه‌هایی از معانی از درون گزاره‌های مهم و با معنی به شکل تم پرداخته شد. تعیین حدود افق‌ها به عنوان کیفیت‌های لایتغیر و ثابت و دسته‌های غیرتکراری و غیرهم‌پوشان سازنده تم‌ها حائز اهمیت بود (بودلایی، ۱۳۹۵: ۱۶۶).

در خصوص چالش اینکه چه کسی در پژوهش باید پیش‌فرض‌ها را براکت کند، تحقق این موضوع در فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها و از طریق رفت و برگشت مکرر میان پژوهشگر- داده‌ها- مشارکت‌کننده، میسر شد. مهم‌ترین اقدامات عملی برای براکت کردن در این پژوهش بر اساس دیدگاه موستاکاس (۱۹۹۴) و کرسول (۲۰۰۷) عبارتند از: - تعیین جایگاه پژوهشگر: در مرحله آغاز پژوهش (تعلیق نقش باورها و دانش پیشین)؛ - ثبت کامل داده‌های مصاحبه و نگارش آن به نحوی که قابل بازیابی و مطالعه و مرور مجدد باشد؛

- یادداشت‌برداری در طول مصاحبه و تحلیل داده‌ها؛

- همکاری مشارکت‌کنندگان در پژوهش در گام‌های تحلیل داده‌ها.

برای حفظ قابلیت امانت‌داری در این پژوهش در مجموع اقداماتی کاربردی نظیر بهره‌گیری از مشارکت‌کنندگان به عنوان همکاران پژوهشی (بازبینی و تأیید شرکت‌کنندگان در پژوهش)، ایجاد و نگهداری دفترچه‌ای از یادداشت‌های بازتابی، به کارگیری توصیف‌های غنی در توسعه تم‌ها و کثرت‌گرایی نظری. اختصاص زمان مناسب برای تشریح هدف پژوهش به مشارکت‌کنندگان، تعیین رویه‌های گردآوری داده‌ها، تعیین نقش پژوهشگر، سؤال‌های پژوهش، نحوه حفظ انسجام داده‌ها، فرایند تحلیل و نحوه اطمینان‌بخشی به داده‌ها صورت پذیرفت.

تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌های این پژوهش رویه‌ای ابداعی (Moustakas, 1994: 69) با اعمال تعدیلاتی که در طول تحلیل کیفی داده‌ها پدیدار شد، استفاده گردید (بودلایی،

۱. براکت کردن یا اپوخه به معنای اجتناب از پیش‌دوری‌ها یا تعلیق آن‌هاست، یا پرهیز از صدور حکم مبتنی بر پیش‌دوری است. در پژوهش در فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها و از طریق رفت و برگشت مکرر میان پژوهش‌گر- داده‌ها- مشارکت‌کننده میسر شد (بودلایی، ۱۳۹۵: ۲۲۵).

۱۳۹۵: ۲۲۷). به این شکل که در گام نخست و پایین‌ترین سطح تحلیل داده‌ها، بر اساس گزاره‌های معنادار برخاسته از متن مصاحبه‌ها افق‌های فکری زنان اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها احصا شد. در سطح دوم تحلیل داده‌ها، افق‌های به دست آمده مرحله قبل در درون ۲ مفهوم کلی خوشه‌بندی شدند. خوشه اول، برحسب زمینه‌های اثرگذار خوشه دوم، برحسب استراتژی و راهکارها به صورت منسجم توصیف شدند. در بالاترین سطح انتزاعی تحلیل داده‌ها و به منظور دستیابی به جوهره راهکارهایی در زمینه دورکاری و قرنطینه‌خانی از نگاه زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه در ایام کرونا، توصیف‌های منسجم مرحله پیش در هم ادغام شد. فرایند سلسله مراتبی تحلیل داده‌های این پژوهش در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳. ساختار سلسله‌مراتبی تحلیل

سطح اول تحلیل: ادغام ساختاری توصیف‌های منسجم جوهره راهکارهای زنان عضو هیأت علمی در زمینه دورکاری و قرنطینه‌خانی در ایام کرونا	
سطح دوم تحلیل: توصیف منسجم روایت با توجه به خوشه‌های افق‌ها	
۱. زمینه‌های اثرگذار	۲. استراتژی و راهکارها
۱-۱. قرنطینه‌خانی	۱-۲. در حوزه پژوهش
۲-۱. دورکاری	۲-۲. در حوزه مدیریتی
	۲-۳. در حوزه خانواده
سطح سوم تحلیل داده‌ها: یکسان‌سازی افق‌ها	

همچنین، با توجه به معیارهای ارائه شده توسط کرسول و میلر (۲۰۰۰) برای حصول اطمینان از اعتبار و مقبولیت داده‌ها و یافته‌های حاصل از پژوهش و به منظور اطمینان خاطر از دقت بودن یافته‌ها اقداماتی نظیر بازبینی توسط اعضا، بررسی همکار و مشارکتی بودن پژوهش صورت گرفته است. در بازبینی توسط اعضا، مشارکت کنندگان، گزارش نهایی مرحله نخست (مقوله‌های به دست آمده) را بازبینی و نظر خود را در ارتباط با آن‌ها ابراز کردند. اساتید رشته روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، خانواده که در انجام پژوهش کیفی از تبحر لازم برخوردار بودند، به بررسی پارادایم‌های کدگذاری پرداخته و سپس درباره آن‌ها اظهار نظر کرده‌اند. در این مطالعه پایایی داده‌ها بدین ترتیب تعیین شد که داده‌های به دست آمده در مصاحبه، در یادداشت‌های در عرصه نیز به دست آمد و جهت نیل به معیار قابلیت تأیید، تمامی مراحل انجام تحقیق به ویژه مراحل تحلیل داده‌ها در تمام مسیر به صورت مشروح و مبسوط ثبت شد تا چنان

چه محقق دیگری مایل به ادامه پژوهش در این حوزه باشد به راحتی بتواند بر اساس مکاتبات و مستندات موجود مربوط به مصاحبه‌ها و تحلیل‌ها و سایر مراحل پژوهش این کار را دنبال نماید.

یافته‌های پژوهش

سطح سوم تحلیل داده‌ها: یکسان‌سازی افق‌ها

در این مرحله نخستین از تحلیل داده‌های پژوهش، توضیحات کلامی هر شرکت‌کننده، در ارتباط با سؤال‌های پژوهش به‌طور کامل مورد تحلیل قرار گرفتند و واحدهای معنادار از عبارات و توضیحات مشارکت‌کنندگان استخراج شد. همه اظهارات و توصیف‌ها، اهمیت و ارتباط یکسانی یافتند. در واقع پژوهشگر به دنبال فراوانی گزاره‌ها نبوده است. گزاره‌های مهم به‌دست آمده، واحدهای معنایی آشکاری را برای شرکت‌کنندگان در پژوهش تشکیل دادند. این رویه یک فرآیند تکراری بود. در این مرحله ابتدایی تحلیل داده‌ها، برای جلوگیری از انباشت داده‌ها، صرفاً نکات کلیدی معنادار طرح شدند. افقی سازی بر اساس انتزاع تجارب مشارکت‌کنندگان بر اساس الگوی موجود در جداول ۴-۷ استخراج شد. لازم به ذکر است که در همین مرحله تصمیم گرفته شد تا اطلاعات تکمیلی نظیر کدها، منبع، فراوانی مشارکت‌کنندگان در بیان افق‌ها را در همین مرحله نخست به جدول مربوط به یکسان‌سازی افق‌های فکری افزوده شود تا فهم و استنباط مخاطبان اثر در همین مرحله غنی‌تر گردد. در تشریح جداول فوق‌الذکر باید اشاره شود که ستون اول مربوط به ردیف کدهای ظاهر شده است. ستون دوم، مرحله اول یکسان‌سازی افق‌های فکری است که بر اساس گزاره‌های معنادار حاصل از متن مصاحبه‌ها، نام‌گذاری تم‌های اولیه اتفاق افتاد و به عنوان «یک گزاره معنادار مستخرج از توضیحات کلامی شرکت‌کننده‌ها» (مؤلفه / زیر مؤلفه‌ها) اشاره دارد. ستون سوم به فراوانی (تعداد) و کد نفرات مشارکت‌کننده‌ای اشاره دارد که افق مورد نظر را در تجربه زیسته خویش ذکر کرده‌اند. ستون چهارم مربوط به گام دوم مرحله یکسان‌سازی افق‌های فکری است که بازنویسی معنا یا توصیف نام دارد.

جدول ۴. تحلیل پدیدار شناختی مصاحبه‌ها برحسب زیر مؤلفه‌های «ایجاد دورکاری»

ردیف	زیر مؤلفه‌های «ایجاد دورکاری»	کد مشارکت کننده	مفاهیم
۱	ایجاد مثلث ارتباط کاری	۸-۱	انجام کارهای اداری با استفاده از اینترنت از خانه
		۱۹-۱	انجام وظایف محوله سازمانی و اداری از راه دور با استفاده از فناوری‌های ارتباطی
		۷-۱	در دسترسی بودن نیروی کار از راه دور از طریق فناوری‌های ارتباطی و سازمان کسب و کار
			در دسترس بودن نیروی کار از راه دور از طریق اینترنت و سازمان استخدام کننده
۲	محو شدن مرز بین خود شاغل و خود خانه‌دار	۲۱-۱	از بین رفتن مرز میان فضای کاری و زندگی در خانه
۳	تداخل کاری شغل زن و مرد در خانه	۲۶-۱	آنلاین بودن هم‌زمان فعالیت‌های کاری زن و مرد در خانه
۴	از بین رفتن مرز میان کار حرفه‌ای و مسئولیت‌های خانه	۱۲-۱	از بین رفتن مرز میان تدریس و انجام وظایف خانه
		۲-۱	و از بین رفتن مرز میان وظایف شغلی (پژوهش و...) و انجام وظایف خانه
۵	صرفه‌جویی در زمان و انرژی		کاهش زمان رفت و آمد
			کاهش خستگی ناشی از رفت و آمد
		۴-۱	انعطاف در انتخاب زمان کار متناسب با شرایط زندگی شخصی
		۸-۱	
		۱۰-۱	فعالیت زنان بر اساس آهنگ روزانه شخصی خود اوایل صبح/آخر شب
۲۹-۱	ساعات کار منقطع		
			شناور بودن ساعات کاری

جدول ۵. تحلیل پدیدار شناختی مصاحبه‌ها برحسب زیر مؤلفه‌های «قرنطینه خانگی»

ردیف	زیر مؤلفه‌های «تجربه زندگی در بحران کرونا»	مشارکت کننده	مفاهیم
۱	تجربه سطوح مراقبت از خود و دیگران در میان زنان	۱۳-۱	من در خانه باید مراقب خودم باشم
		۲۳-۱	من در خانه باید به دیگران کمک کنم تا مراقب خودشان باشند
		۱۷-۱	کمک متقابل افراد به همدیگر برای مراقبت متقابل و هم‌زمان از یکدیگر
		۲۱-۱	به عنوان پزشک مراقب افراد بیمار در خانواده/ مراقب خودمان بودن
۲	روابط و مناسبات اجتماعی در زنان	۲۵-۱	انجام کنش‌ها و رفتارها بر مبنای مراقبت/ و تعهد اخلاقی
		۲۷-۱	
۳	شناخت و درک اخلاق مراقبتی در زندگی	۳۰-۱	هرگونه کوتاهی در مراقبت از خوشتن و دیگران
		۲۲-۱	نوعی گناه و بی‌اخلاقی
	فعالیت کنشگران اجتماعی	۱-۱	راه‌اندازی کمپین‌های پیشگیرانه و درمانی از سوی پژوهش‌گران
		۱۰-۱	انتقال صحیح پروتکل‌های پیشگیرانه و درمانی پژوهش‌گران به مردم
	اخلاق مراقبتی در زندگی	۶-۱	پژوهش در جهت آثار و پیامدهای فرهنگی- اجتماعی کرونا و پیش‌بینی و ترسیم موقعیت‌های اجتماعی با افراد، نهادها و مناسبات اجتماعی
		۵-۱	
۴	بازتعریف مسئله اخلاق و تعهدات اجتماعی در بین زنان	۳-۱	بازتعریف هنجارها و ارزش‌های فردی و اجتماعی/ شناخت و رعایت پروتکل‌های بهداشتی برای قطع زنجیره شیوع/ درک اینکه نیروی جمع، امکان بقاء به جامعه و امکان حل بحران‌های بزرگ مانند کرونا
		۱۳-۱	
		۲۳-۱	
	الگوهای روابط انسانی و اجتماعی	۶-۱	بازتعریف الگوهای روابط انسانی و اجتماعی از سوی زنان
۴-۱		بازتعریف الگوهای روابط انسانی و اجتماعی از سوی زنان	
		۶-۱	یارگیری، خود مراقبتی جمعی/ همیاری/ دگریاری/ خودیاری

مفاهیم	مشارکت کننده یا	زیر مؤلفه‌های «تجربه زندگی در بحران کرونا»		ردیف
دورهمی‌های خانوادگی مجازی/ ایجاد ارتباطات مجازی بین افراد/ ارتباط مجازی با جهان بیرونی	۳-۱	از تعاملات واقعی به سوی تعاملات مجازی	تغییر شکل سبک تعاملات خانواده	۵
	۵-۱			
امکان ارتباط مناسب‌تر با اعضای خانواده/ تلاش برای رفع مسائل داخلی خانواده/ امکان ارتباط مسئولانه‌تر با اعضای خانواده	۵-۱	ایفای نقش مسئولانه‌تر در قبال اعضای خانواده		
	۸-۱			
فراغت آشفته برای مادران/ عدم فراغت شخصی برای مادر	۱۰-۱	اختلال در گذراندن اوقات فراغت	تغییر شکل اوقات فراغت ۱ در خانه	۶
	۱۳-۱			
	۲۱-۱			
به اشتراک گذاری پیام‌ها/ گپ و گفتگوی اینترنتی/	۲-۱	انجام کارهای هنری		
مشارکت حضوری به صورت اجباری/ ترس و اضطراب از ابتلاء خود و دیگران به کرونا در مراسم سوگواری	۱-۱	سبک سوگواری مضطربانه	تغییر شکل برنامه‌های مناسبتی	۷
	۶-۱			
همدردی کردن با خانواده داغدار/ بدون عدم حضور در مراسم	۱-۱	سبک سوگواری همزاد پندارانه		
	۸-۱			

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. شیوه گذراندن اوقات فراغت در خانواده قبل از کرونا دست‌خوش تغییر شده بود و افراد زمان بیشتری را برای فراغت در اختیار دارند و سعی در گذراندن آن به بهترین شیوه دارند (مانند تماشای فیلم، مطالعه کتاب، شبکه‌های اجتماعی و ...) می‌توان گفت که با تعطیلی مراکز فرهنگی و تفریحی سبک‌های جدیدی در شیوه گذراندن اوقات فراغت مطرح شده است. از جمله « می‌توان به انواع آموزش‌ها در منزل و با تکیه بر شبکه‌های اجتماعی اشاره کرد.

جدول ۶. تحلیل پدیدار شناختی مصاحبه‌ها برحسب زیر مؤلفه‌های «استراتژی‌ها و راهکارها»

ردیف	زیر مؤلفه‌های «استراتژی‌ها و راهکارها»	مشارکت‌کننده	مفاهیم	
۱	انجام فعالیت‌های پژوهشی	۱-۱	مفید بودن اجرای طرح دورکاری در فعالیت‌های پژوهشی	
		۴-۱	ایجاد انضباط فکری، تمرکز و فراغ خیال در انجام فعالیت‌های پژوهشی	
	۶-۱			
	آینده کرونا از دیدگاه پژوهشگران	۳-۱	چه خبر از بحران کرونا؟	
		۸-۱	آینده بحران کرونا چه خواهد شد؟	
۲	داوطلبانه کردن دورکاری	۷-۱	انتخاب اختیاری دورکاری	
	توجه مسئولان به دورکاری در مراکز و سازمان‌ها	۵-۱	دورکاری زنان شاغل/ دورکاری مردان شاغل/ در مشاغلی بدون حضور فیزیکی	
		۱۵-۱		
	بهبود سبک مدیریت به شیوه دورکاری	۶-۱	کسب دانش نسبت به مدیریت دورکاری	
		۹-۱	تعیین و معرفی اصول مدیریت دورکار	
		۱۰-۱	تعیین چگونگی برقراری ارتباط مناسب به عنوان مدیر دورکار	
		۱۲-۱	ایجاد بهترین ترکیب کاری و تعیین شیفت کاری	
			توجه به آموزش پرسنل دورکار	
	به کارگیری فناوری مناسب	۲۳-۱	تشخیص فن آوری مناسب ارتباطی	
			تشخیص فن آوری مناسب اطلاعاتی	
	۳	تداوم توازن بین زندگی شغلی و خانوادگی	۱۲-۱	تأکید بر نظام نقش‌ها
			۳-۱	شکل‌گیری روابط صحیح بین انسان‌ها
۶-۱			شکل‌گیری بر مبنای یاریگری میان انسان‌ها	
تأکید بر اخلاقی مراقبتی زنان در زندگی		۶-۱	مراقبت از خود/ مراقبت از عزیزان/ مراقبت از دیگران	
		۷-۱		
خانواده		تأکید بر زنان به عنوان یاری‌گری مراقبتی در زندگی	۳۰-۱	زنان به عنوان پزشکان خانه در مراقبت از افراد بیمار
	۳-۱		زنان به عنوان متخصصان و پژوهش‌گران مراقب جامعه	
	۱۲-۱		قانع کردن اعضای خانواده برای زیستن به شیوه جدید	

جدول ۷. توصیف نهایی سازه‌های عام برحسب راهکارهایی در زمینه دورکاری و قرنطینه خانگی از نگاه زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها

زمینه‌های اثرگذار	استراتژی و راهکارها
• ایجاد دورکاری	• در حوزه پژوهش
- ایجاد مثلث ارتباط کاری	- انجام فعالیت‌های پژوهشی
- محو شدن مرز بین خود شاغل و خود خانه‌دار	- گفتار از آینده کرونا از دیدگاه پژوهش‌گران زن
• قرنطینه خانگی	• در حوزه مدیریتی
- تداخل کاری شغل زن و مرد در خانه	- داوطلبانه کردن دورکاری
- از بین رفتن مرز میان کار حرفه‌ای و مسئولیت‌های خانه	- توجه به مسئولان به دورکاری در مراکز و سازمان‌ها
- صرفه‌جویی در زمان و انرژی	- بهبود سبک مدیریت به شیوه دورکاری
• قرنطینه خانگی	- به کارگیری فناوری مناسب
- تجربه سطوح مراقبت از خود و دیگران در میان زنان	• در خانواده
- روابط و مناسبات اجتماعی در میان زنان	- تداوم توازن بین زندگی شغلی و خانوادگی
- اخلاق مراقبتی در زندگی	- تأکید بر اخلاق مراقبتی زنان در زندگی
- الگوهای روابط انسانی و اجتماعی	- تأکید بر زنان به عنوان یاریگری مراقبتی در زندگی
- تغییر شکل سبک تعاملات خانواده	- تغییر شکل اوقات فراغت در خانه
- تغییر شکل اوقات فراغت در خانه	- ایجاد فرصت برای تأمل و بازاندیشی به زندگی
- ایجاد فرصت برای تأمل و بازاندیشی به زندگی	- توجه به خودشناسی
- توجه به خودشناسی	- تغییر شکل برنامه‌های مناسبتی
- تغییر شکل برنامه‌های مناسبتی	تعداد افق‌های ایجاد دورکاری: ۵
تعداد افق‌های ایجاد دورکاری: ۵	تعداد افق‌های قرنطینه خانگی: ۹
تعداد افق‌های قرنطینه خانگی: ۹	تعداد افق‌های استراتژی و راهکارها: ۹
تعداد افق‌های استراتژی و راهکارها: ۹	

سطح دوم تحلیل: توصیف منسجم روایت با توجه به خوشه‌های افق‌ها

در این پژوهش، افق‌های مربوط به تجارب زیسته زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های مشارکت‌کننده در قالب ۲ مفهوم کلی و به صورت منسجم توصیف شدند. عنوان خوشه‌ها عبارت است از: زمینه‌های اثرگذار (دورکاری و قرنطینه خانگی) و استراتژی‌ها و راهکارها

توصیف منسجم متن روایت مربوط به زمینه‌های اثرگذار بر تجربه زیسته زنان عضو هیأت علمی (دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها) در ایام کرونا

ایجاد دورکاری، یکی از شرایط زمینه‌ای اثرگذار بر تجربه زیسته زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در زمان کرونا بوده است. دورکاری در ایام کرونا به

معنای ایجاد مثلث ارتباط کاری (خانه / دورکاری، اینترنت و فناوری‌های ارتباطی و سازمان / فضای کاری)، محو شدن مرز بین خود شاغل و خود خانه‌دار، تداخل کاری شغل زن و مرد در خانه، از بین رفتن مرز میان کار حرفه‌ای و مسئولیت‌های خانه و صرفه‌جویی در زمان و انرژی بوده است.

... وقتی در دورکاری و قرنطینه خانگی بودم، کارها و وظایف اداره را در خانه از طریق اینترنت انجام می‌دادم. البته بعضی مواقع تداخل بین کارهای خانه و محل کارم ایجاد می‌شد که مدیریت آن سخت بود... (کد مشارکت‌کننده: ۱۸ - ۱).

منظور از ایجاد مثلث ارتباط کاری از نگاه زنان اعضای هیأت علمی، انجام کارها و وظایف شغلی و اداری از خانه با استفاده از اینترنت، انجام وظایف محوله سازمانی و اداری از راه دور با استفاده از فناوری‌های ارتباطی و در دسترس بودن نیروی کار از راه دور از طریق فناوری‌های ارتباطی و سازمان کسب‌وکار و یا دسترس بودن نیروی کار از راه دور از طریق اینترنت و سازمان استخدام‌کننده بوده است. همچنین دورکاری منجر به ایجاد محو شدن مرز بین خود شاغل و خود خانه‌دار می‌گردد. به عبارتی، مرز میان فضای کاری و زندگی در خانه از بین می‌رود. به علاوه باعث تداخل کاری شغل زن و مرد در خانه می‌گردد. به بیان دیگر، آنلاین بودن هم‌زمان فعالیت‌های کاری زن و مرد در خانه منجر به تداخل کاری شغل زن و مرد در محیط و فضای خانه می‌شود. همچنین دوری کاری به معنای از بین رفتن مرز میان کار حرفه‌ای و مسئولیت‌های خانه می‌گردد. به عبارتی، مرز میان تدریس و انجام وظایف خانه یا مرز میان وظایف شغلی (پژوهش و...) و انجام وظایف خانه از بین می‌رود. دورکاری یعنی صرفه‌جویی در زمان و انرژی است؛ زیرا منجر به کاهش زمان رفت‌وآمد، کاهش خستگی ناشی از رفت‌وآمد، انعطاف در انتخاب زمان کار متناسب با شرایط زندگی شخصی و فعالیت زنان بر اساس آهنگ روزانه شخصی خود بوده است. به طوری که برخی از آنان در اوایل صبح و برخی در آخر شب کارهای روزانه خود (ساعات کار منعطف) را انجام می‌دادند. به عبارتی، ساعات کاری در دورکاری از سوی زنان اعضای هیأت علمی، شناور بوده است.

یکی دیگر از شرایط زمینه‌ای اثرگذار بر تجربه زیسته زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، قرنطینه خانگی در این ایام (کرونا) بوده است. قرنطینه خانگی در ایام کرونا، شامل تجربه سطوح مراقبت از خود و دیگران در میان زنان (خودیاری مراقبتی، دگر یاری مراقبتی، همیاری مراقبتی، یاریگری مراقبت محور)،

روابط و مناسبات اجتماعی در میان زنان (بازتعریف روابط و مناسبات اجتماعی)، اخلاق مراقبتی در زندگی (شناخت و درک اخلاق مراقبتی در زندگی، فعالیت کنشگران اجتماعی، توجه پژوهشگران به کرونا و آثار آن)، الگوهای روابط انسانی و اجتماعی (بازتعریف مسئله اخلاق و تعهدات اجتماعی بین زنان، بازتعرف الگوهای روابط انسانی و اجتماعی از سوی زنان)، تغییر شکل سبک تعاملات خانواده (از تعاملات واقعی به سوی تعاملات مجازی، تشدید درون‌گرایی در میان افراد درون‌گرا به‌ویژه خانم‌ها، اخلاق مراقبتی زنان و مادران، ایفای نقش مسئولانه‌تر در قبال اعضای خانواده، ایفای نقش انسانی‌تر در قبال اعضای خانواده، ایفای نقش انسانی‌تر در قبال اعضای خانواده، به اشتراک‌گذاری تجربیات مادر-فرزندی، تفاهم بیشتر و درک متقابل در خانواده، نیازسنجی افراد خانواده توسط مادر)، افزایش درک متقابل نسبت به یکدیگر در خانواده، افزایش همبستگی در خانواده، نزدیک شدن به فرزندان، افزایش نقش حمایتی و عاطفی در خانواده) و تغییر شکل اوقات فراغت در خانه (اختلال در گذراندن اوقات فراغت، آشتی با کتاب و مطالعه، ایجاد اوقات فراغت کاذب، افزایش تماشای فیلم‌ها و سریال‌ها، تنوع بخشیدن به کارها، وجود تفریحات مجازی) بوده است.

... وقتی در ایام کرونا و قرنطینه در خانه بودم سعی می‌کردم ارتباط بهتری با بچه‌ها بگیرم و حتی وقتی می‌خواستیم کاری انجام دهیم سعی می‌کردم تجربه‌های کاری خودم را به آن‌ها یاد دادم ... (کد مشارکت‌کننده: ۱۴ - ۱).

زنان عضو هیأت علمی در تجربه سطوح مراقبت از خود و دیگران در ایام کرونا، به نوعی از یاریگری پر مبنای تعهد مراقبتی نسبت به هم اشاره کرده‌اند. این مراقبت در چهار سطح و شیوه رخ داده است. خودیاری مراقبتی، دگریاری مراقبتی، همیاری مراقبتی و یاریگری مراقبت محور. در خودیاری مراقبتی، زنان عضو مطرح کرده‌اند که باید در خانه و جامعه در ایجاد روابط درست بهداشتی با دیگران مراقب خود باشند. در دگریاری مراقبتی، آنان بیان کرده‌اند، باید در خانه و جامعه به دیگران کمک کرد تا مراقب خودشان باشند، حتی باید از آن‌ها مراقبت کرد، چه از طریق رفتارهای ایجابی یا سلبی. در همیاری مراقبتی، آنان به کمک‌های متقابل به یکدیگر برای مراقبت‌های متقابل و هم‌زمان از همدیگر اشاره کرده‌اند و معتقد بودند، «حفظ جان خود و عزیزانشان منوط به حفظ جان دیگران، نزدیکان، آشنایان و هر فرد دیگری» و حفظ جان دیگران (نزدیکان، آشنایان و هر فرد دیگری) منوط به حفظ جان خود و عزیزانشان است. در یاریگری مراقبت محور، زنان عضو بیان کرده‌اند، همان‌طور که

پزشکان مراقب بیماران هستند، به عنوان یک پزشک باید مراقب خودشان، عزیزانشان، افراد بیمار در خانواده، همشهری‌هایشان، هم‌وطنانشان و هر انسان دیگری باشند. در حقیقت، تعهد به الگوی جامعه مبتنی بر سطوح مراقبتی فوق‌الذکر، می‌تواند بیانگر الگوی بنیادین رابطه و یاریگری برای جامعه در شرایط بحرانی و خطر باشد. به بیان دیگر، در شرایط بحرانی و خطر، الگوهای زندگی اجتماعی جامعه دست خوش تغییر شده‌اند. به‌طوری‌که یاریگری به عنوان یک قاعده بنیادین جامعه، نه مبتنی بر روابط متقابل میان فردی و درون‌گروهی و تعامل روزمره مستقیم و غیرمستقیم، بلکه بر مبنای تعهد مراقبت انسانی نسبت به هم و تعهد بدان در ایام کرونا بازتعریف شده است و افراد در این ایام جور دیگری زندگی می‌کنند. در واقع، الگوی پیشین جامعه که موجب بقاء و تداوم ویروس کرونا می‌گردد، تغییر و الگوی و شیوه زندگی جدیدی جایگزین آن شده یا خواهد شد. به‌طوری‌که انجام کنش‌ها و رفتارها بر مبنای مراقبت و تعهد اخلاقی (در درون خانه با اعضای خانواده، در بیرون خانه با همکاران و آشنایان، با غریبه‌ها و انسان‌های دیگر و در سطح محل کار و جامعه) بازتعریف شده است. در حقیقت این قاعده جدید زندگی، نوعی اخلاق مراقبتی و یاریگری مراقبتی در زندگی را مطرح می‌کند. البته این شیوه جدید زندگی، مستلزم اقناع مردم برای تعامل و کنشگری بر مبنای مراقبت و تعهد اخلاقی در شرایط بحرانی جامعه است. به عبارتی، هر فرد به عنوان اعضای جامعه بحران‌زده، باید شناخت و درک اخلاق مراقبتی در زندگی پیدا کند که هر گونه کوتاهی در مراقبت از خویشان و دیگران نوعی گناه و بی‌اخلاقی و در نهایت به خطر انداختن زندگی خود و دیگران است.

... در اوایل دوران کرونا و سرعت شیوع آن، من خودم به دوستان و آشنایان می‌گفتم با رعایت پروتکل‌های بهداشتی باید مراقب خودمان و افراد جامعه بود و اگر کوتاهی شود از نظر اخلاقی دچار گناه شده‌ایم ... (کد مشارکت‌کننده: ۲۵-۱).

از سوی دیگر، کنشگران اجتماعی نظیر سازمان‌های مردم‌نهاد و دانشگاه‌ها و صداوسیما نیز با راه‌اندازی کمپین‌های پیشگیرانه و درمانی و مردمی و با انتقال صحیح پروتکل‌های پیشگیرانه و درمانی توسط کارشناسان و پزشکان و دانشمندان تلاش می‌کردند، از ضررهای احتمالی جسمی، اقتصادی، محیطی کرونا جلوگیری به عمل آورند. به بیان دیگر، در کمپین‌های پیشگیرانه، درمانی و مردمی تلاش می‌شد، اخلاق و یاریگری مراقبتی به عنوان مبنای جامعه بحرانی به مردم عرضه شود و نوعی الزام به اجرا را در بطن جامعه ایجاد کند و بیان می‌شد که اگر اجرا نگردد، تک‌تک

افراد در بیماری و حتی مرگ خود، عزیزان و دیگران سهیم خواهند شد. در واقع، سعی می‌گردید، الگوی روابط اجتماعی و انسانی و مسئله اخلاق و تعهدات اجتماعی بازتعریف گردد. بازتعریف هنجارها و ارزش‌های فردی و اجتماعی، درک اینکه نیروی جمع، امکان بقا به جامعه و همچنین حل بحران‌های بزرگ مانند کرونا را می‌دهد. به علاوه، شناخت و رعایت پروتکل‌های بهداشتی برای قطع زنجیره شیوع کرونا و در نهایت بقا جامعه ضروری است. به علاوه، در این بازتعریف، یاریگری بر مبنای تعهد انسانی نسبت به هم تعامل مجازی روزانه یا هفتگی و مراقبت‌های انسانی صورت گرفت. در ضمن در این بازتعریف می‌توان به خود مراقبتی جمعی (فرد در مقام عضوی از جامعه هم مراقب خودش و هم مراقب دیگران باشد)، همیاری (یک تلاش متقابل برای رفع نیاز یکدیگر و بقای انسان با کمک به هم دیگر)، خودیاری (کمک گرفتن از دیگران برای رفع نیاز خود) اشاره کرد. همچنین زنان عضو هیأت علمی در تجربه زندگی خود در ایام کرونا، به ایجاد شبکه‌ای از تعاملات متقابل مجازی بین خودشان و دیگر افراد جامعه نیز اشاره کردند. به عبارتی، در این ایام، پیوندهای متقابل مجازی برای رفع نیازهای فردی و جمعی ایجاد گردید.

در قرنطینه خانگی، زنان عضو هیأت علمی به تغییر شکل سبک تعاملات خانواده از قبیل «از تعاملات واقعیت به سوی تعاملات مجازی (دوره‌های خانوادگی مجازی، ایجاد ارتباطات مجازی بین افراد و ارتباط مجازی با جهان بیرونی)»، «تشدید درون‌گرایی در میان افراد درون‌گرا به‌ویژه خانم‌ها»، «ایجاد اخلاق مراقبتی زنان و مادران (پررنگ شدن نقش مادرانگی و همسری و احساس مسئولیت در قبال فرزندان)»، ایفای نقش مسئولانه‌تر (امکان ارتباط مناسب‌تر و مسئولانه‌تر با اعضای خانواده) و انسانی‌تر (ارتباط مهربانانه‌تر با اعضای خانواده و بستگان) در قبال اعضای خانواده»، «به اشتراک‌گذاری تجربیات مادر فرزندی»، «تفاهم بیشتر و درک متقابل در خانواده (گفتمان بیشتر با همسر و بین اعضای خانواده و والدین با فرزند و انعطاف اعضای خانواده با یکدیگر)»، «نیازسنجی افراد خانواده توسط مادر (شناسایی نیازهای تفریحی مورد نیاز خانواده، شناسایی علایق فرزندان خانواده)»، افزایش درک متقابل نسبت به یکدیگر در خانواده (رفتار همدلانه مادر با اعضای خانواده و اعضای خانواده با یکدیگر)»، «افزایش همبستگی در خانواده (حضور در منزل و دورکاری منجر به کمک به استحکام کانون خانواده می‌گردد)»، «نزدیک شدن به فرزندان (آشنایی بیشتر با علایق و سلاقی، نیازهای و رفتارهای فرزندان)» و «افزایش نقش حمایتی و عاطفی در

خانواده (کمک اعضای خانواده به یکدیگر، کمک مادر در کارها و امور فرزندان، کمک پدر در تمرینات فرزندان، محبت بیشتر اعضای خانواده به یکدیگر)» نیز اشاره کردند. یکی دیگر از تجارب زندگی زنان عضو هیأت علمی در ایام کرونا، مسئله اوقات فراغت و تغییر شکل اوقات فراغت در خانه بوده است. البته شیوه گذراندن اوقات فراغت در خانواده قبل از کرونا دست خوش تغییر شده بود و افراد زمان بیشتر را برای فراغت در اختیار داشتند، طوری می‌توان به تماشای فیلم، مطالعه کتاب، شبکه‌های اجتماعی (به اشتراک‌گذاری پیام‌ها (نوشتاری و صوتی)، فیلم و تصاویر؛ و گپ و گفتگوی اینترنتی) اشاره کرد، اما در ایام کرونا شکل اوقات فراغت تغییر کرد و اوقات فراغت کاذب جایگزین اوقات فراغت واقعی (مهمانی در رستوران‌ها، رفتن به گردشگاه‌ها نظیر پارک‌ها، رفتن به سینماها، سفر رفتن) شد، زیرا مراکز فرهنگی و تفریحی تعطیل گردید و همه باید در محیط و فضا خانه در قرنطینه قرار می‌گرفتند. از این رو، سبک جدیدی در شیوه گذراندن اوقات فراغت مطرح شد. به طوری که فضای گذراندن اوقات فراغت فقط «در خانه» تغییر یافت. البته برخی از اعضای هیأت علمی بیان کردند، به علت قرنطینه، آشتی با مطالعه کتاب‌های غیر تخصصی، متون ادبی و آثار بزرگ هنری و تحلیل و تفسیر کتاب‌های مطالعه شده، انجام کارهای هنری در کنار اعضای خانواده فراهم شده بود. به علاوه، از سوی خانواده و اعضای آن، سینمای خانگی مورد استقبال زیادی قرار گرفته بود و حتی فیلم‌ها مورد تحلیل، تفسیر و معنا قرار می‌گرفتند. سهم تفریحات مجازی از قبیل تولید محتوا و فعالیت در شبکه‌های مجازی نسبت به قبل از کرونا افزایش یافت. حتی کاربران اقدام به تفسیر و معنا کردن فیلم‌ها، متون مطالعه شده، موسیقی شنیده شده در فضای مجازی می‌کردند. حتی برخی از زنان اعضای هیأت علمی معتقد بودند، فضای خانگی از سوی فرزندان و اعضای خانواده به فضای آفرینش‌های فکری و خلاقانه تبدیل شده بود. برخی از زنان اعضای هیأت علمی به ایجاد فرصت برای تأمل و بازاندیشی به زندگی نظیر دانستن بیشتر قدر لحظات زندگی، دست برداشتن از عجله و شتاب، زندگی کردن به معنای واقعی، بازنگری در هدف‌گذاری زندگی، قدرت تدبیر در منزل اشاره کرده‌اند. تعدادی دیگر از زنان اعضای هیأت علمی توجه به خودشناسی در محیط خانه و ایام قرنطینه را مطرح کردند. منظور آنان از توجه به خودشناسی، شناخت عمیق از خود (تفکر و تمرکز بیشتر بر خود)، رشد و توسعه شخصی (تمرکز بر اهداف زندگی و برنامه‌های زندگی)، کشف علایق شخصی، شناخت بیشتر توانایی‌ها و قابلیت‌ها و افزایش آن‌ها، توسعه و رشد معنوی خود، فرصتی برای خودسازی و مدیریت خود

(قدرت انطباق با تغییرات محیطی) بوده است. به علاوه، برخی از زنان عضو هیأت علمی به اختلال در گذراندن اوقات فراغت مادران نیز اشاره کرده‌اند. به طوری که مطرح کردند، محیط و فضای خانگی، فراغت آشفته برای مادران و یا نبود فراغت شخصی برای مادران را ایجاد کرده بود.

در تجربه زندگی در ایام کرونا، زنان عضو هیأت علمی به تغییر شکل برنامه‌های مناسبی را مطرح کردند. به طوری که با توجه به نتایج مستخرج از مصاحبه‌های آنان می‌توان به دو سبک سوگواری «مضطربانه» و «همزاد پندارانه» اشاره کرد. در سبک سوگواری مضطربانه، از یک طرف، مشارکت حضوری به صورت اجباری و از طرف دیگر، ترس و اضطراب از ابتلاء خود به کرونا یا ترس و اضطراب از ابتلاء دیگران به کرونا در مراسم سوگواری وجود داشته است. در سبک سوگواری همزاد پندارانه، نوعی همدردی با خانواده داغدار بدون عدم حضور در مراسم شکل گرفته بود.

توصیف منسجم متن روایت مربوط به کارگیری استراتژی‌ها و راهکارها زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها

استراتژی‌ها و راهکارهایی در زمینه دورکاری و قرنطینه خانگی از نگاه زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها مطرح شده است. این استراتژی‌ها و راهکارها در حوزه پژوهش، انجام فعالیت‌های پژوهشی و پژوهش در مورد آینده کرونا؛ در حوزه مدیریتی، داوطلبانه کردن دورکاری، توجه مسئولان به دورکاری در مراکز و سازمان‌ها، بهبود سبک مدیریت به شیوه دورکاری و به کارگیری فناوری‌های مناسب؛ و در حوزه خانواده، تداوم توازن بین زندگی شغلی و خانوادگی، تأکید بر اخلاق مراقبتی زنان در زندگی و تأکید بر زنان به عنوان یاری‌گری مراقبتی در زندگی بوده است.

زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در حوزه پژوهش مطرح کرده‌اند، از آنجا که فعالیت‌های پژوهشی نیازمند یک انضباط فکری، تمرکز و فراغ خیال چه در محیط کار و چه در خانه است. از این رو، ضرورتی به انجام آن در محیط کار نیست و اجرای طرح دورکاری در مشاغل پژوهشی برای پژوهش‌گران به‌ویژه زنان می‌تواند مفید باشد.

همچنین ویروس کرونا و شیوع آن در ایران، ذهن و ضمیر جمعی جامعه را به شدت ملتهب ساخته است. به طوری که در هر شرایط و مکانی صحبت از آینده کروناست. این جملات که چه خبر؟ به نظرت چه خواهد شد؟ در این وضعیت و شرایط چکار باید کرد؟ جملاتی است که حکایت از ناامیدی و ترس جمعی در میان شهروندان دارد. از این رو، پیشنهاد می‌گردد، پژوهش‌گران و اساتید دانشگاه‌ها، تحقیقات و طرح‌های

پژوهشی در این رابطه انجام دهند تا بتوان شناخت و درک بهتری نسبت به جامعه پس از کرونا کسب کرد و راهکارهای مناسب‌تری در مواجهه با جهان پس از کرونا دست یافت. در حوزه مدیریتی، مدیران، می‌توانند دورکاری را امری داوطلبانه و به اختیار پژوهش‌گر قرار دهند. همچنین، پیشنهاد می‌گردد، مسئولان به طرح دورکاری نیروی کار به‌ویژه زنان شاغل، به عنوان فرصتی برای رشد و تعالی جامعه نگاه کنند، به‌خصوص برای مشاغلی که نیاز به حضور فیزیکی در محیط‌های کاری نیست. البته بهبود سبک مدیریت به شیوه دورکاری نیز باید به‌صورت کارشناسانه صورت گیرد. به‌طوری‌که ابتدا باید دانش نسبت به مدیریت دورکاری کسب کرد، یعنی چه چیزی را باید قبل و هنگام تبدیل شدن یک مدیر گروه دورکار بداند. همچنین، تعیین اصول مدیریت دورکار و معرفی صحیح و درست این اصول به کارکنان حائز اهمیت است. بعد تنظیم روابط و پیکره‌بندی گروه دورکار باید در نظر گرفته شود. به عبارتی، هماهنگی در تعیین جایگاه نیروی کار و تنظیم روابط و پیکره‌بندی گروه دورکار جهت کسب موفقیت پرسنل دورکار در یک تیم و گروه دورکار، برقراری روابط مناسب بین نیروی کار و سازمان و تعیین شیفت‌ها و زمان‌های اتمام کار یا استراحت برای تیم‌های دورکار، تعیین چگونگی برقراری ارتباط مناسب مدیر دورکار با کارکنان و تعیین چگونگی برقراری یک همکاری کارآمد برای تیم دورکار، برقراری روابط مناسب بین نیروی کار و سازمان، تعیین شیفت‌ها و زمان‌های اتمام کار یا استراحت برای تیم‌های دورکار، توجه به آموزش پرسنل دورکار، ایجاد مدیریت بازدهی و کارایی در تیم دورکار، تعیین روش‌های جبران خسارات در تیم دورکار و توجه به چالش‌های جذب نیروی انسانی دورکار باید مورد توجه قرار گیرد.

از آنجا که زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در رابطه با انجام وظایف خود در شرایط دورکاری با کاهش سرعت اینترنت و عوامل پشتیبانی نامناسب در رابطه با فضای مجازی مواجه شده بودند، از این‌رو پیشنهاد کردند، برای اجرای طرح دورکاری، به کارگیری فناوری مناسب حائز اهمیت است. به عبارتی، سازمان‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی باید بتوانند با توجه به وظایف و عملکرد سازمان، فن‌آوری‌های مناسب ارتباطی و اطلاعاتی را به کارگیرند.

در حوزه خانواده، زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها مطرح کردند، نظام نقش‌ها مورد تأکید قرار گیرد و اینکه هر کسی نقشی دارد و افراد بر اساس نقش‌ها می‌توانند نیازهایشان را برطرف کنند که توجه به این امر، به افراد نیروی

روحی و روانی کافی ناشی از رضایت کنشگری اخلاقی خواهد بخشید و همین نیرو می‌تواند شادابی زندگی را در افراد تأمین کند. همچنین، منجر به شکل‌گیری روابط صحیح بین انسان‌ها و ایفای نقش مراقبتی بر مبنای یاریگری میان انسان‌ها خواهد شد. به علاوه، تعهد به الگوی جامعه مبتنی بر یاریگری، می‌تواند بیانگر الگوی بنیادین رابطه و یاریگری برای جامعه در بحران و در خطر باشد.

تأکید بر اخلاق مراقبتی زنان در زندگی، استراتژی دیگری است که زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها مطرح کردند. به عبارتی، مراقبت از خود، افراد خانواده به صورت هم‌زمان و توأمان حائز اهمیت است. حتی مراقبت از دیگران نیز برای بقای جامعه مهم و اساسی است. به سخن دیگر، سهم هر فرد در جامعه آن است که هر کجا هستند، هر کاری می‌کنند برای مراقبت از خودشان و دیگران باشد.

تأکید بر زنان به عنوان یاری‌گری مراقبتی در زندگی، استراتژی دیگری است که زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در مواجهه با کووید ۱۹ مطرح کرده‌اند. در شرایطی که پزشکان مراقب بیماران هستند، زنان به عنوان پزشکان خانه در مراقبت از افراد بیمار می‌توانند نقش داشته باشند. همچنین، زنان به عنوان متخصصان و پژوهش‌گران می‌توانند با تولید محتوا در مورد مراقبت‌های بهداشتی در بحران کرونا و انتشار آن برای افراد جامعه، مراقب آن باشند. همچنین با ارائه و انتخاب شیوه‌های زندگی متناسب با شرایط بحرانی می‌تواند گامی در جهت مراقبت از خانواده و جامعه بردارند. به علاوه، زنان نقش زیادی در اقناع اعضای خانواده در زیستن به شیوه جدید می‌توانند داشته باشند. حتی زنان می‌توانند در تعریف سبک زندگی جدید برای بحران‌ها به‌ویژه کرونا نقش داشته باشند.

سطح اول تحلیل: جوهره به کارگیری راهکارهایی در زمینه دورکاری و قرنطینه

خانگی از نگاه زنان عضو هیأت علمی در ایام کرونا

آخرین مرحله عملی در فرایند پدیدارشناسی متعالی، مربوط به پیوستگی یکپارچه توصیفات متنی با توصیفات ساختاری پدیده است تا ماهیتی تجمعی از تجربه شکل گیرد (Moustakas, ۱۹۹۴: ۴۵) و بر این اساس ذات و جوهر پدیده آشکار شود؛ مانند مراحل قبل فرایند پدیدارشناسی، براکت یا همان اپوخه، پیش از این مرحله نیز انجام شد؛ بنابراین در این قسمت برای دستیابی به جوهره راهکارهایی در زمینه دورکاری و قرنطینه خانگی از نگاه زنان عضو هیأت علمی در ایام کرونا، ترکیبی از توصیفات متنی تجربیات ۳۰ مشارکت‌کننده مورد استفاده قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های این

پژوهش، ایجاد دورکاری ترکیبی از ایجاد مثلث ارتباط کاری- سازمان/خانه/اینترنت و فضای مجازی، محو شدن مرز بین خود شاغل و خود خانه‌دار، تداخل کاری شغل زن و مرد در خانه، از بین رفتن مرز میان کار حرفه‌ای و مسئولیت‌های خانه، صرفه‌جویی در زمان و انرژی) بوده است. همچنین، قرنطینه خانگی در بحران کرونا ترکیبی از تجربه سطوح مراقبت از خود و دیگران در میان زنان (خودیاری مراقبتی، دگریاری مراقبتی، همیاری مراقبتی، یاریگری مراقبت محور)، روابط و مناسبات اجتماعی در میان زنان، اخلاق مراقبتی در زندگی، الگوهای روابط انسانی و اجتماعی، تغییر شکل سبک تعاملات خانواده، تغییر شکل اوقات فراغت در خانه و تغییر شکل برنامه‌های مناسبی بوده است و زنان عضو هیأت علمی راهکارهایی (انجام فعالیت‌های پژوهشی به صورت دورکاری و گفتار از آینده کرونا از دیدگاه پژوهش‌گران)، حوزه مدیریتی (داوطلبانه کردن دورکاری، توجه مسئولان به دورکاری در مراکز و سازمان‌ها، بهبود سبک مدیریت به شیوه دورکاری، و به‌کارگیری فناوری‌های مناسب در فضاهای آموزشی و پژوهشی) و در حوزه خانواده (تداوم توازن بین زندگی شغلی و خانوادگی، تأکید بر اخلاق مراقبتی زنان در زندگی، تأکید بر زنان به عنوان یاریگری مراقبتی در زندگی) ارائه کرده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

کرونا موقعیتی استثنایی و وضعیتی اضطراری را بر جامعه و جهان تحمیل کرده است. به‌طوری که وجود قرنطینه خانگی ناشی از ویروس کرونا و شیوع آن باعث ظهور فرهنگ قرنطینه در کشور و جهان شده است که این امر منجر به بازتعریف روابط و مناسبات اجتماعی (انجام کنش‌ها و رفتارها بر مبنای مراقبت و تعهد اخلاقی)، شناخت و درک اخلاق مراقبتی در زندگی (هرگونه کوتاهی در مراقبت از خویشتن و دیگران نوعی گناه و بی‌اخلاقی) و بازتعریف مسئله اخلاق و تعهدات اجتماعی (بازتعریف هنجارها و ارزش‌های فردی و اجتماعی، شناخت و رعایت پروتکل‌های بهداشتی برای قطع زنجیره شیوع، درک اینکه نیروی جمع، امکان بقا به جامعه و حل بحران‌های بزرگ مانند کرونا به جامعه می‌دهد) و بازتعریف الگوهای روابط انسانی و اجتماعی (یاریگری، خود مراقبتی، همیاری، دگریاری و خودیاری) از سوی زنان شده است. همچنین شبکه‌ای از تعاملات متقابل مجازی بین زنان و افراد جامعه (ایجاد پیوندهای متقابل مجازی برای رفع نیازهای فردی و جمعی) ایجاد شده است. به علاوه فرهنگ قرنطینه باعث تغییر شکل اوقات فراغت در خانه نظیر اختلال در گذراندن اوقات فراغت، آشتی با کتاب و

مطالعه، ایجاد اوقات فراغت کاذب، افزایش تماشای فیلم‌ها و سریال‌ها، تنوع بخشیدن به کارها، وجود تفریحات مجازی به‌ویژه تحلیل و تفسیر فیلم‌ها و متون و محتوای مختلف در فضای مجازی، فرصتی را برای تحلیل و خلق اندیشه‌های نو فراهم کرده‌اند. به عبارتی، ویروس کرونا و شیوع آن منجر به قرنطینه خانگی و فرهنگ قرنطینه شده است و این امر محیط و فضای خانگی را به فضای آفرینش‌های فکری، هنری و خلاقانه تبدیل کرده است. همچنین، قدرت تحلیل و تفسیر افراد را نسبت به اشکال مختلف محتواها در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی ایجاد کرده است. نیچه معتقد است، تحلیل کردن آفریدن است و می‌توان محیط و فضای خانگی را به فضای آفرینش‌های فکری و خلاقانه تبدیل کرد (تورن، ۱۳۹۷: ۴۰). همچنین، فرصتی برای خلق مخاطب فعال و خلاق است، محیطی که در آن می‌توان در مورد چگونگی نگاه به انسان، جهان و هستی در شرایط بحران کرونا تصمیم‌گیری کرد که این امر می‌تواند منجر به خلق شخصیت فرد گردد و به شیوه‌ای مؤثر در این جهان، امکان دیدن و دیده شدن را فراهم کند و همچنین فرصتی برای رضایت و شوق یادگیری را ایجاد کند. همچنین در ایام کرونا، تغییر شکلی در برنامه‌های مناسبتی (سبک سوگواری مضطربانه و همزاد پندارانه) ناشی از مرگ‌میر افراد مبتلا به کرونا ایجاد شده است. به علاوه، روزهای قرنطینه خانگی، فرصتی برای تمرین خانه‌نشینی اجباری و خانه‌ای که از طریق آن دورکاری انجام شده، یا به تمرین یادگیری الکترونیک پرداخته شده، یا آموزش چگونگی استفاده از کتابخانه‌های الکترونیک برای دستیابی به مقالات پژوهشی تخصصی و غیرتخصصی، متن‌ها و کتاب‌های تخصصی و غیرتخصصی پرداخته شده است. فاضلی (۱۳۹۹) معتقد است، ما در حالی «خانه‌نشینی ناگزیر» را پذیرا شده‌ایم که خانه‌ها پذیرای ما نیستند. برای خانه‌نشینی ما نیازمند احیای خانه و توسعه عملکردهای آن به کمک خلاقیت‌های فردی و پذیرش مسئولیت دشوار بازاندیشی در معنای خانه و تلاش برای توسعه عملکردهای خانه هستیم. (فاضلی، ۱۳۹۹: ۱۱۲). همچنین، تورن (۱۳۹۷) نیز مطرح کرده است، روزهای قرنطینه فرصتی است برای تمرین زیستن در خانه‌ای که از طریق آن دورکاری می‌کنیم؛ یا به تمرین یادگیری الکترونیک عادت می‌کنیم، یا می‌آموزیم که چگونه از «کتابخانه‌های الکترونیک» برای دست یافتن به رمان‌ها، متن‌ها و کتاب‌های مورد نیاز خود استفاده کنیم. ما می‌توانیم از خانه‌هایمان از طریق دنیای مجازی با شهرها، موزه‌ها، فضاهای دیدنی و گردشگری سراسر جهان دیدار کنیم (تورن، ۱۳۹۷: ۳۳).

با توجه به نتایج مستخرج از این پژوهش، می‌توان دریافت، کرونا موقعیتی استثنایی

و وضعیتی اضطراری را بر جامعه ما به‌ویژه زنان تحمیل کرده است. در موقعیت‌های استثنایی انسان‌های خلاق می‌توانند، ارزش‌ها، باورها و ایده‌های بزرگ و استثنایی را خلق کنند. نتایج نشان داد، کرونا فرصتی برای متفاوت‌تر شدن، متفاوت زیستن و متفاوت بودن فراهم کرده است. اگرچه محدودیت‌های متفاوتی تجربه شده است، اما نتوانسته است، چشم‌ها، ذهن و زبان افراد را ببندد. همچنین، کرونا بخشی از تجربه تاریخی و زیستی ماست. افراد به‌ویژه زنان جامعه پژوهش با تفسیر و تأمل در این تجربه توانسته‌اند، میدان تازه‌ای را برای خلق ایده‌ها یا برای گفتگو کردن درباره فرهنگ، تاریخ، دین و تمام مواردی ایجاد کنند که هستی تاریخی، اجتماعی و فرهنگی ما را ساخته است. به علاوه، در این موقعیت ترومانیک شده، جامعه پژوهش درگیر پرسش‌ها و پرسشگری‌هایی شده‌اند که معطوف به بنیادها و هستی اجتماعی و تاریخی آن‌هاست. آن‌ها احساس می‌کنند که با دانش و شکل آگاهی که تاکنون داشته‌اند، دیگر امکان زیستن وجود ندارد و باید خود را با شکل‌های دیگر آگاهی آشنا کنند. ترومای کرونا، نه تنها در زمینه فردی و در سطح خرد بلکه نظام سلامت ایران، سیستم دورکاری و ... را می‌تواند در کانون بازاندیشی قرار دهد و چالش‌های ساختاری آن را در حوزه عمومی مطرح کند.

پیشنهادها

با توجه به نتایج از تجربه زیسته زنان عضو هیأت علمی از دورکاری و قرنطینه خانگی، پیشنهاد می‌شود، فعالیت‌های پژوهشی و گفتار از آینده کرونا از دیدگاه پژوهش‌گران مورد بررسی قرار گیرد. از آنجا که فعالیت‌های پژوهشی نیازمند یک انضباط فکری، تمرکز و فراغ خیال چه در محیط کار و چه در خانه است. از این‌رو، ضرورتی به انجام آن در محیط کار نیست و اجرای طرح دورکاری در مشاغل پژوهشی برای پژوهشگران به‌ویژه زنان می‌تواند مفید باشد. به علاوه، تحقیقات و طرح‌های پژوهشی در این رابطه انجام دهند تا بتوان شناخت و درک بهتری نسبت به جامعه پس از کرونا کسب کرد و راهکارهای مناسب‌تری در مواجهه با جهان پس از کرونا دست یافت.

در حوزه مدیریتی، مدیران، می‌توانند دورکاری را امری داوطلبانه و به اختیار پژوهشگر قرار دهند. همچنین، بهبود سبک مدیریت به شیوه دورکاری نیز باید به صورت کارشناسانه صورت گیرد. به‌طوری باید دانش، اصول مدیریت دورکاری، تنظیم روابط و پیکره‌بندی گروه دورکاری، تعیین چگونگی برقراری ارتباط مناسب مدیردورکار با کارکنان، تعیین شیفت‌ها و زمان‌های اتمام کار یا استراحت برای تیم‌های دورکار،

توجه به آموزش پرسنل دورکار، ایجاد مدیریت بازدهی و کارایی در تیم دورکار، تعیین روش‌های جبران خسارات در تیم دورکار و توجه به چالش‌های جذب نیروی انسانی دورکار باید مورد توجه قرار گیرد.

از آنجا که زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در رابطه با انجام وظایف خود در شرایط دورکاری با کاهش سرعت اینترنت و عوامل پشتیبانی نامناسب در رابطه با فضای مجازی مواجه شده بودند، از این رو، برای اجرای طرح دورکاری، به کارگیری فناوری مناسب حائز اهمیت است.

در حوزه خانواده، نظام نقش‌ها مورد تأکید قرار گیرد و اینکه هر کسی نقشی دارد و افراد بر اساس نقش‌ها می‌توانند نیازهایشان را برطرف کنند که توجه به این امر، به افراد نیروی روحی و روانی کافی ناشی از رضایت‌کنشگری اخلاقی خواهد بخشید و همین نیرو می‌تواند شادابی زندگی را در افراد تأمین کند. همچنین منجر به شکل‌گیری روابط صحیح بین انسان‌ها و ایفای نقش مراقبتی بر مبنای یاریگری میان انسان‌ها خواهد شد. تأکید بر اخلاق مراقبتی زنان در زندگی، استراتژی دیگری است. به عبارتی، مراقبت از خود، افراد خانواده به صورت هم‌زمان و توأمان حائز اهمیت است. حتی مراقبت از دیگران نیز برای بقای جامعه مهم و اساسی است. تأکید بر زنان به عنوان یاری‌گری مراقبتی در زندگی، استراتژی دیگری است. در شرایطی که پزشکان مراقب بیماران هستند، زنان به عنوان پزشکان خانه در مراقبت از افراد بیمار می‌توانند نقش داشته باشند. همچنین، زنان به عنوان متخصصان و پژوهش‌گران می‌توانند با تولید محتوا در مورد مراقبت‌های بهداشتی در بحران کرونا و انتشار آن برای افراد جامعه، مراقب آن‌ها باشند. همچنین با ارائه و انتخاب شیوه‌های زندگی متناسب با شرایط بحرانی می‌توانند گامی در جهت مراقبت از خانواده و جامعه بردارند. به علاوه، زنان نقش زیادی در اقناع اعضای خانواده در زیستن به شیوه جدید می‌توانند داشته باشند. حتی زنان می‌توانند در تعریف سبک زندگی جدید برای بحران‌ها به‌ویژه کرونا نقش داشته باشند.

منابع و مأخذ

- ادیب حاج باقری، محسن، پرویزی، سور و مهوش صلصالی (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق کیفی*. تهران: انتشارات بشری.
- ارشاد، محمدرضا (۱۳۸۰). *اندیشه‌های فلسفی در هزاره دوم: مصاحبه با محمد ضیمران*. تهران: انتشارات هرمس.
- باشلار، کاستن (۱۳۹۷). *بوطیقای فضا*. ترجمه مریم کمالی و محمد شیربچه. تهران: انتشارات روشنگران.
- بلمن، ژوزف (۱۳۸۹). *شهر گذشته، شهر آینده*. ترجمه مهرداد کرباسی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بودلایی، حسن (۱۳۹۵). *روش تحقیق پدیدارشناسی*. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- تورن، آلن (۱۳۹۷). *پارادایم جدید*. ترجمه سلمان صادقی‌زاده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دارابی، علی (۱۳۸۸). *رویکرد پدیدارشناسی در تجزیه و تحلیل پدیده‌های سیاسی*. *مطالعات سیاسی*. شماره ۵: ۸۲-۶۱.
- ربانی خوراسگانی، علی، سعیده الهی دوست و فرشته قیصریه نجف‌آبادی (۱۳۹۲). «مطالعه‌ای پدیدارشناسانه درباره تجربه زیسته مدیران زن در اصفهان». *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*. شماره ۴: ۴۲-۱۹.
- رحمانی، جبار (۱۳۹۹). «سفرهای کروناپی، چرا مردم به سفر می‌روند؟». *مجموعه مقالات جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران ویروس کرونا در ایران*. مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- رستگار خالد، امیر (۱۳۸۳). *خانواده، کار و جنسیت*. تهران: انتشارات روابط عمومی شورای فرهنگی و اجتماعی زنان.
- الریش، بک (۱۳۹۷). *جامعه در مخاطره جهانی*. ترجمه محمدرضا مهدی‌زاده. تهران: نشر کویر.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات سروش.
- شادی طلب، ژاله و سمانه ابراهیم‌پور (۱۳۹۶). «بازگویی تجربیات زنان در ارتقاء به مرتبه استادی در دانشگاه‌های ایران». *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*. شماره ۶۶: ۱۰۶-۵۳.
- عزیزی، فروغ (۱۳۹۳). «تجربه زیسته مدیریت زنان در جامعه مردسالار». *روزنامه ایران*. شماره ۴۹۵. شماره دی ماه.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۹). *فرهنگ و فاجعه؛ جستارهای انسان‌شناختی درباره مصیبت‌های جمعی در ایران*. تهران: انتشارات فرهامه.
- گیلان، ام‌البین (۱۳۹۵). *تجارب زیسته مدیران زن در استان گلستان*. شورای راهبردی زنان فرهیخته گلستان. همایش استانی سلامت زنان. ناشر تخصصی کنفرانس‌های ایران: مرجع دانش.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش ۱: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*. جلد ۱. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- الوانی، سید مهدی و حسن بودلایی (۱۳۸۹). *پدیدارشناسی در مطالعات کارآفرینی*. *علوم مدیریت ایران*. شماره ۱۹: ۶۲-۳۳.

- وبر، ماکس (۱۳۸۷). مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. ترجمه احمد صدارتی. تهران: انتشارات مرکز.
- Alexander, J. (2004). **Toward a Theory of Cultural Trauma**, in Eyerman, Ron, Cultural Trauma and Collective Identity. Berkeley, CA: University of California press.
- Bartley, M. (1993). 'Domestic Conditions, Paid Employment and Woman experience at Ill-health', **Sociology of Health and Illness**, Vol 4.
- Becker, B.E. Huselid, M.A. & Ulrich, D. (2001). **The HR Scorecard: Linking people, Strategy and Performance**. Boston, MA: Harvard Business School Press.
- Creswell, J.W. & Miller, D.L. (2000). 'Determining Validity in Qualitative Inquiry'. **Theory into Practice**, 39(3), 124-130.
- Creswell, w. John, (2007), **Qualitative Inquiry and Research Design; Choosing Among Five Approaches**, (second Edition). Thousand Oaks, CA, Sage Publications.
- Dam, Leena & Daphtardar, S. (2012), 'Work - Life Balance by Women Faculty Members: The Conundrum Within', **KIIT Journal of Management**, Vol-8. (https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2254305).
- Hycner, R. (1985). 'Some Guidelines for the Phenomenological Analysis of Interview Data'. **Human Studies**, 8, 279-303.
- Lester, S. (1999). **An Introduction to Phenomenological Research**. Retrieved September 13, 2010 from <http://www.sld.demon.co.uk/resmethy.pdf>.
- Moustakas, C.E. (1994). **Phenomenological Research Methods**. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Toffoletti, Kim, Starr, Karen (2016). 'Women Academics and Work-Life Balance: Gendered Discourses of Work and Care: Women Academics And Work-Life Balance', in **Gender Work and Organization**, 23(5) · September.
- Vanderstoep, W., Scott, D. (2009). **Research Method for Every Day Life**. Blending qualitative and quantitative approach, by John Wiley & Sons, Inc